



مدرسه منتظر: تبیین الگوی تربیت نسل منتظر با تأکید بر نقش الگویی معلم در پرورش روحیه مقاومت

راضیه کدیور

کارشناسی ارشد فیزیک



DOI: 10.22608/446
MNR-460-2-433106

پژوهش حاضر با هدف تبیین الگوی تربیت نسل منتظر با تأکید بر نقش الگویی معلم در پرورش روحیه مقاومت انجام شد. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، مروری - اسنادی است و داده‌های آن با مطالعه و تحلیل منابع علمی، پژوهش‌های مرتبط با تربیت مهدوی، نقش معلم و فرهنگ مقاومت و نیز اسناد بالادستی نظام تعلیم و تربیت گردآوری و تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش در شش محور شامل مهدویت و شکل‌گیری روحیه مقاومت، انتظار فعال و نفی انفعال، مهدویت و استکبارستیزی، تربیت انسان منتظر و مقاوم، نقش آموزش و تربیت در انتقال فرهنگ مقاومت و پیوند مقاومت، عدالت‌خواهی و زمینه‌سازی ظهور سازمان‌دهی شد. نتایج نشان داد که روحیه مقاومت در تربیت مهدوی بر پایه معرفت، استواری اعتقادی و اخلاقی شکل می‌گیرد و انتظار فعال، فرد را از انفعال به سمت آمادگی، مسئولیت‌پذیری و عمل هدایت می‌کند. همچنین، آرمان عدالت مهدوی می‌تواند زمینه تقویت عدالت‌خواهی و نگرش ضدسلطه را فراهم سازد. در این میان، معلم به‌عنوان مهم‌ترین عنصر الگویی مدرسه، از طریق باور مهدوی، اخلاق حرفه‌ای، عدالت‌ورزی، مسئولیت‌پذیری و پایداری خود می‌تواند ارزش‌های مهدوی و روحیه مقاومت را به‌صورت عملی به دانش‌آموزان منتقل کند. بر اساس یافته‌ها، الگوی پیشنهادی پژوهش از مسیر «معرفت مهدوی، انتظار فعال، تربیت اخلاقی و مسئولیت‌پذیری، عدالت‌خواهی و نفی سلطه، مقاومت آگاهانه و زمینه‌سازی ظهور» شکل می‌گیرد. بنابراین، مدرسه منتظر مدرسه‌ای است که در آن انتظار از سطح آموزش مفهومی فراتر رفته و در رفتار معلم، روابط تربیتی و تجربه روزمره دانش‌آموزان عینیت یابد.

واژگان کلیدی: مدرسه منتظر، تربیت مهدوی، نسل منتظر، نقش الگویی معلم، روحیه مقاومت، انتظار فعال، زمینه‌سازی ظهور.

۱. مقدمه

تربیت نسل آینده از مهم‌ترین رسالت‌های نظام تعلیم و تربیت است و در رویکرد اسلامی، این رسالت به انتقال دانش محدود نمی‌شود، بلکه پرورش انسان‌هایی مؤمن، اخلاق‌مدار، مسئول، عدالت‌خواه، امیدوار و مقاوم را نیز دربرمی‌گیرد. تربیت نسل منتظر نیز صرفاً به آموزش مفاهیم مهدویت اختصاص ندارد، بلکه فرایندی همه‌جانبه است که باید باور، نگرش، اخلاق و رفتار دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار دهد. در این نگاه، انتظار مفهومی فعال و سازنده است که با خودسازی، مسئولیت‌پذیری، عدالت‌خواهی و تلاش برای تحقق ارزش‌های الهی پیوند دارد.

بر این اساس، توجه به اسناد و سیاست‌های کلان نظام تعلیم و تربیت می‌تواند چارچوب مناسبی برای تبیین جایگاه مهدویت و نقش عوامل تربیتی در پرورش نسل منتظر فراهم کند. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مهدویت و انتظار را در شمار مبانی و ارزش‌های مورد توجه نظام تعلیم و تربیت قرار داده و بر نقش معلم به‌عنوان «هدایت‌کننده و اسوه‌ای امین و بصیر» تأکید کرده است. همچنین در این سند، ویژگی‌هایی مانند خودباوری، روحیه مجاهدت، ظلم‌ستیزی، شجاعت، عدالت، صداقت و ایثار مورد توجه قرار گرفته است. راهکارهای سند نیز بر تقویت شایستگی‌های اعتقادی، اخلاقی و حرفه‌ای معلمان و تحکیم نقش الگویی آنان و نیز ترویج فرهنگ انتظار با تأکید بر نقش الگویی معلمان تأکید دارد (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰).

در ادامه این رویکرد، یکی از مؤلفه‌های مهم تربیت نسل منتظر، برخورداری از روحیه مقاومت و پایداری است. مقاومت در این پژوهش به معنای توانایی حفظ ارزش‌ها، امید، مسئولیت‌پذیری و پایداری آگاهانه و اخلاقی در برابر دشواری‌ها و موانع است. بنابراین، مقاومت صرفاً واکنش به تهدیدهای بیرونی نیست، بلکه می‌تواند در قالب پایداری در مسیر حق، مقابله با ناامیدی، حفظ هویت دینی، مسئولیت‌پذیری و ایستادگی در برابر بی‌عدالتی و انحراف نیز نمود پیدا کند.

از سوی دیگر، تحقق این مؤلفه‌های تربیتی نیازمند محیطی است که دانش‌آموز بتواند ارزش‌های مهدوی را در عمل تجربه کند. تربیت مهدوی هنگامی می‌تواند در رفتار دانش‌آموزان اثرگذار باشد که از سطح آموزش نظری فراتر رود و در محیط واقعی مدرسه تجربه شود. در همین راستا، پژوهش مرزوقی (۱۳۸۷) در بررسی سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزشی مدارس، نشان داد که در اهداف و محتوای منابع آموزشی بررسی‌شده، توجه نظام‌مند و برنامه‌ریزی‌شده به گسترش تفکر و فلسفه مهدویت کافی نبوده است. این یافته ضرورت حرکت از آموزش صرف مفاهیم مهدوی به سوی ایجاد محیط تربیتی و تجربه زیسته انتظار را نشان می‌دهد.

با توجه به اهمیت محیط تربیتی مدرسه، نقش معلم به‌عنوان مهم‌ترین عامل انسانی در تحقق چنین رویکردی برجسته می‌شود. دانش‌آموز علاوه بر مطالبی که از طریق آموزش مستقیم دریافت می‌کند، از رفتار، نگرش و

منش معلم نیز تأثیر می پذیرد. بنابراین، معلم در مدرسه منتظر صرفاً انتقال دهنده مفاهیم مهدویت نیست، بلکه می تواند «الگوی زیسته انتظار» باشد. پژوهش سرمدی، میردامادی و شیروانی نیز بر ضرورت تربیت معلم به عنوان فردی منتظر و زمینه ساز ظهور تأکید کرده و نشان داده است که برای ایفای چنین نقشی، برخورداری معلم از ویژگی های اعتقادی، اخلاقی و حرفه ای مناسب ضروری است.

در تکمیل این دیدگاه، توجه به باور و اخلاق خود معلم نیز اهمیت پیدا می کند. همچنین، کریمی، خفری و کریمی (۱۴۰۲) در پژوهش خود درباره نقش باورداشت آموزه مهدویت در رشد و تقویت اخلاق معلمی، بر ارتباط میان باور مهدوی و خودسازی اخلاقی معلمان منتظر تأکید کرده اند. بر اساس یافته های این پژوهش، باور به وجود و ظهور امام مهدی (عج)، معرفت نسبت به امام و محبت به ایشان می تواند زمینه تقویت فضایل اخلاقی و آمادگی معلم برای ایفای نقش زمینه ساز را فراهم کند. از این منظر، باور مهدوی زمانی به یک عامل تربیتی تبدیل می شود که در اخلاق و رفتار معلم نمود پیدا کند.

برآیند مطالب پیش گفته آن است که «مدرسه منتظر» مدرسه ای است که در آن فرهنگ انتظار در اهداف، روابط، رفتارها و تجربه های روزمره تربیتی جاری باشد و معلم از طریق باور، اخلاق و رفتار خود، ارزش هایی همچون امید، عدالت خواهی، مسئولیت پذیری، خودباوری و مقاومت را به دانش آموزان منتقل کند. پژوهش حاضر با توجه به این ضرورت، درصدد تبیین الگوی تربیت نسل منتظر با تأکید بر نقش الگویی معلم در پرورش روحیه مقاومت است.

۲. بیان مسئله

تربیت نسل منتظر یکی از مسائل مهم در نظام تعلیم و تربیت اسلامی است. انتظار در فرهنگ مهدوی، مفهومی پویا و مسئولیت آفرین است و فرد منتظر را به خودسازی، آمادگی، اصلاح خویش و جامعه و تلاش برای تحقق ارزش های الهی دعوت می کند. بر این اساس، دانش آموز منتظر باید علاوه بر شناخت آموزه های مهدوی، از ویژگی هایی مانند امید، مسئولیت پذیری، عدالت خواهی، خودباوری، شجاعت و پایداری برخوردار باشد.

در میان این ویژگی ها، یکی از مؤلفه های اساسی در این زمینه، روحیه مقاومت است. مقاومت را می توان توانایی حفظ ارزش ها و اهداف متعالی، استمرار در مسیر درست و مواجهه آگاهانه و اخلاقی با دشواری ها دانست. در این معنا، مقاومت با صبر، امید، ایمان، مسئولیت پذیری، عدالت خواهی و خودباوری ارتباط دارد. بنابراین، تربیت دانش آموز مقاوم به معنای آموزش صرف مقابله با تهدید نیست، بلکه به معنای پرورش شخصیتی است که در برابر دشواری ها و انحرافات، توان حفظ هویت و ارزش های خود و ادامه مسیر مسئولانه را داشته باشد.

با وجود اهمیت این موضوع، تربیت مهدوی در مدرسه ممکن است به آموزش اطلاعات درباره امام مهدی (عج)، مناسبت های مذهبی و فعالیت های مقطعی محدود شود. در همین راستا، پژوهش مرزوقی (۱۳۸۷) نیز نشان داده

است که در برنامه ها و محتوای آموزشی مورد بررسی، توجه نظام مند و برنامه ریزی شده به گسترش تفکر و فلسفه مهدویت کافی نبوده است. از این رو، مسئله اساسی این است که چگونه می توان فرهنگ انتظار را از سطح آموزش نظری به سطح تجربه و رفتار روزمره دانش آموزان منتقل کرد.

در پاسخ به این مسئله، در این فرایند، معلم جایگاه ویژه ای دارد. معلم نه تنها انتقال دهنده دانش، بلکه یکی از مهم ترین الگوهای رفتاری دانش آموزان است. اگر معلم در رفتار خود امید، صبر، عدالت، مسئولیت پذیری، شجاعت و پایداری را نشان دهد، دانش آموز می تواند این ارزش ها را در موقعیت های واقعی مشاهده و تجربه کند. از این رو، نقش الگویی معلم می تواند حلقه اتصال میان آموزه های نظری مهدویت و رفتار تربیتی دانش آموز باشد.

از سوی دیگر، تحقق نقش الگویی معلم بدون توجه به باور و اخلاق حرفه ای او امکان پذیر نیست. در کنار نقش الگویی، باور مهدوی و اخلاق حرفه ای خود معلم نیز اهمیت دارد. یافته های کریمی، خفری و کریمی (۱۴۰۲) نشان می دهد که باور به وجود و ظهور امام مهدی (عج)، معرفت نسبت به امام و محبت به ایشان می تواند در خودسازی و رشد اخلاقی معلمان منتظر مؤثر باشد. بنابراین، نمی توان از نقش الگویی معلم سخن گفت، اما از باورها و ویژگی های اخلاقی خود او غفلت کرد.

همسو با این دیدگاه، پژوهش سرمدی، میردامادی و شیروانی (۱۳۹۲) نشان می دهد که برای تحقق نقش معلم در زمینه سازی ظهور، لازم است معلم خود به عنوان فردی منتظر و زمینه ساز تربیت شود. یافته های این پژوهش بر ضرورت توجه به تربیت معلم و تعریف نقش زمینه ساز برای او تأکید دارد.

با جمع بندی این مباحث، مسئله اصلی پژوهش حاضر، نبود یک تبیین منسجم از ارتباط میان باور مهدوی معلم، اخلاق حرفه ای او، نقش الگویی معلم، ویژگی های مدرسه منتظر و پرورش روحیه مقاومت در دانش آموزان است. پژوهش حاضر می کوشد با مرور و تلفیق منابع موجود، الگویی مفهومی برای این ارتباط ارائه کند.

بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش عبارت است از:

مدرسه منتظر چه ویژگی هایی دارد و معلم چگونه می تواند با ایفای نقش الگویی، روحیه مقاومت را در دانش آموزان تقویت و زمینه تربیت نسل منتظر را فراهم کند؟

۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

با توجه به مسائل مطرح شده در مقدمه و بیان مسئله، اهمیت پژوهش حاضر را می توان در چند محور بیان کرد:



نخست، ضرورت تربیت نسل منتظر: انتظار در رویکرد اسلامی صرفاً یک باور ذهنی نیست، بلکه با خودسازی، مسئولیت‌پذیری و آمادگی برای تحقق ارزش‌های الهی ارتباط دارد. بنابراین، نظام تعلیم و تربیت باید به پرورش نسلی بپردازد که بتواند این باورها را در رفتار فردی و اجتماعی خود نشان دهد.

دوم، ضرورت تقویت روحیه مقاومت: دانش‌آموزان برای مواجهه مسئولانه با دشواری‌های فردی، اجتماعی و فرهنگی به ویژگی‌هایی مانند امید، خودباوری، صبر، مسئولیت‌پذیری و پایداری نیاز دارند. این ویژگی‌ها با اهداف تربیت مهدوی ارتباط دارد و باید در فرایند تربیتی مدرسه پرورش یابد.

سوم، ضرورت تبدیل مهدویت به تجربه تربیتی: یافته‌های مرزوقی (۱۳۸۷) درباره ضعف توجه نظام‌مند به تفکر و فلسفه مهدویت در برخی برنامه‌ها و محتوای آموزشی، ضرورت توجه به ابعاد عمیق‌تر تربیت مهدوی را نشان می‌دهد.

چهارم، اهمیت نقش الگویی معلم: سند تحول بنیادین بر جایگاه معلم به‌عنوان هدایت‌کننده و اسوه‌ای امین و بصیر تأکید کرده است. بنابراین، معلم می‌تواند ارزش‌های مورد نظر تربیت مهدوی را نه تنها از طریق آموزش مستقیم، بلکه از طریق رفتار و منش خود منتقل کند (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰).

پنجم، اهمیت باور و اخلاق معلم: بر اساس یافته‌های کریمی، خفری و کریمی (۱۴۰۲)، باور مهدوی می‌تواند در خودسازی و رشد اخلاقی معلم مؤثر باشد. بنابراین، تربیت نسل منتظر بدون توجه به تربیت و خودسازی خود معلم، ناقص خواهد بود.

ششم، اهمیت پیوند مهدویت و مقاومت: اندیشه مهدوی با مفاهیمی مانند عدالت‌خواهی، مقابله با ظلم، امید به آینده و تلاش برای تحقق جامعه مطلوب ارتباط دارد. از این رو، پرورش روحیه مقاومت می‌تواند یکی از ابعاد تربیتی مهم در تربیت نسل منتظر باشد.

در مجموع، اهمیت پژوهش حاضر در تلاش برای ایجاد پیوند میان چهار حوزه مهدویت، مدرسه، معلم و مقاومت و تبدیل آن‌ها به یک چارچوب تربیتی منسجم است.

۴. اهداف پژوهش

با توجه به مسئله و ضرورت مطرح‌شده، اهداف اصلی این مقاله عبارتند از:

- شناسایی مؤلفه‌های تربیت نسل منتظر.
- تبیین ویژگی‌های مدرسه منتظر.

- شناسایی مؤلفه های باور و معرفت مهدوی معلم.
- تبیین ارتباط باور مهدوی با اخلاق حرفه ای معلم.
- شناسایی مؤلفه های روحیه مقاومت در تربیت نسل منتظر.
- تبیین نقش الگویی معلم در تقویت امید، مسئولیت پذیری، عدالت خواهی، خودباوری و پایداری دانش آموزان.
- ارائه الگوی مفهومی برای پیوند میان باور مهدوی معلم، اخلاق حرفه ای، نقش الگویی و پرورش روحیه مقاومت.

۵. روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، مروری - اسنادی است. داده های پژوهش از طریق مطالعه منابع علمی، مقالات پژوهشی، مطالعات مرتبط با تربیت مهدوی و نقش معلم و همچنین اسناد بالادستی نظام تعلیم و تربیت گردآوری شده است.

برای دستیابی به هدف پژوهش، در مرحله نخست، منابع مرتبط با چهار محور اصلی پژوهش، شامل تربیت نسل منتظر، مدرسه منتظر، نقش الگویی و اخلاقی معلم و روحیه مقاومت شناسایی و مطالعه شدند. در مرحله دوم، مفاهیم و یافته های مرتبط از منابع استخراج و بر اساس محورهای پژوهش دسته بندی شدند. در مرحله سوم، یافته های مطالعات مختلف با یکدیگر مقایسه و ارتباط میان مؤلفه ها تحلیل شد. همچنین، بخش های مرتبط سند تحول بنیادین، به ویژه مباحث مربوط به مهدویت و انتظار، نقش الگویی معلم، شایستگی های اخلاقی و روحیه جهادی، بررسی شد.

در نهایت، با تلفیق یافته های منابع و اسناد مورد بررسی، مؤلفه های اصلی «مدرسه منتظر» و نقش الگویی معلم در پرورش روحیه مقاومت استخراج و چارچوب مفهومی پیشنهادی پژوهش ارائه شد.

۶. پیشینه پژوهشی

در راستای تبیین مبانی پژوهش حاضر، مطالعات پیشین نیز ابعاد مختلف موضوع را بررسی کرده اند. مرزوقی (۱۳۸۷) در بررسی سیمای مهدویت در برنامه های آموزشی مدارس، نشان داد که توجه به تفکر و فلسفه مهدویت در اهداف و محتوای آموزشی به صورت نظام مند و کافی مورد توجه قرار نگرفته است. این یافته بر ضرورت تقویت رویکرد تربیتی و عملی به مهدویت در مدرسه تأکید دارد.



در ادامه این بحث و با تمرکز بر نقش معلم، سرمدی، میردامادی و شیروانی (۱۳۹۲) در مطالعه نقش معلم در زمینه سازی ظهور، بر ضرورت برخورداری معلم از ویژگی های اعتقادی و اخلاقی فرد منتظر و ایفای نقش الگویی وی در تربیت دانش آموزان تأکید کردند. این یافته، جایگاه معلم را در تحقق مدرسه منتظر برجسته می سازد.

در تکمیل این دیدگاه، کریمی، خفری و کریمی (۱۴۰۲) نیز با بررسی نقش باورداشت آموزه مهدویت در رشد اخلاق معلمی، نشان دادند که باور به وجود و ظهور امام مهدی (عج)، معرفت و محبت نسبت به ایشان می تواند زمینه خودسازی و تقویت فضایل اخلاقی معلمان منتظر را فراهم کند. بر این اساس، باور مهدوی می تواند زمینه ساز شکل گیری رفتار الگویی معلم باشد.

از سوی دیگر، با توجه به تأکید پژوهش حاضر بر روحیه مقاومت، خدابخشی و بطلانی اصفهانی (۱۴۰۴) در بررسی جایگاه اندیشه مهدویت در تداوم استکبارستیزی و مقاومت، بر پیوند میان مهدویت و فرهنگ مقاومت تأکید کرده اند. این یافته می تواند مبنایی برای توجه به مقاومت به عنوان یکی از مؤلفه های تربیت نسل منتظر در مدرسه باشد.

همچنین، در سطح اسناد بالادستی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر مهدویت و انتظار، شایستگی های اعتقادی و اخلاقی معلم و نقش الگویی وی تأکید دارد و تقویت روحیه مجاهدت، خودباوری، عدالت خواهی و ظلم ستیزی را مورد توجه قرار داده است (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰).

با جمع بندی پژوهش های پیشین، مطالعات انجام شده به صورت جداگانه به مهدویت در مدرسه، نقش معلم، اخلاق مهدوی و مقاومت پرداخته اند؛ اما پیوند این مؤلفه ها در قالب یک الگوی منسجم برای «مدرسه منتظر» و با تأکید بر نقش الگویی معلم در پرورش روحیه مقاومت، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر درصدد پاسخ به همین خلأ است.

یافته ها

تحلیل منابع و پژوهش های مرتبط با تربیت نسل منتظر و فرهنگ مقاومت نشان داد که این موضوع دارای ابعاد به هم پیوسته ای است که هر یک از زاویه ای خاص قابل بررسی است. به منظور جلوگیری از هم پوشانی مفهومی، یافته ها در شش محور مستقل تنظیم شده اند: مبانی مهدوی مقاومت، انتظار فعال، استکبارستیزی، ویژگی های انسان منتظر، نقش مدرسه و معلم در انتقال فرهنگ مقاومت، و در نهایت ارتباط این مؤلفه ها با زمینه سازی ظهور.

۱. مهدویت و شکل گیری روحیه مقاومت



یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مفهوم مقاومت در اندیشه مهدوی، پیش از آنکه ناظر به یک کنش اجتماعی یا سیاسی باشد، دارای یک بنیان اعتقادی و اخلاقی است. اعتقاد به امامت و باور به تحقق عدالت نهایی، چارچوبی ارزشی ایجاد می‌کند که در آن پایداری بر حق، نفی پذیرش ظلم و حفظ ارزش‌های انسانی اهمیت می‌یابد. از این منظر، جامعه مطلوب مهدوی جامعه‌ای است که در آن عدالت بر ظلم غلبه می‌کند و همین آرمان می‌تواند مبنای شکل‌گیری روحیه پایداری در انسان مؤمن باشد.

یکی از مفاهیم قابل توجه در این زمینه، «سداد» است. سداد در منابع روایی با مفاهیمی همچون استواری، درستی، استحکام و جبران کاستی‌ها ارتباط دارد. بر اساس این مفهوم، کسی که خواهان یاری امام عصر(عج) است، ابتدا باید در اصلاح و استحکام شخصیت خویش بکوشد. بنابراین، مقاومت پایدار نیازمند بنیان‌های درونی است و فرد نمی‌تواند بدون برخورداری از ثبات اخلاقی و اعتقادی، در برابر دشواری‌ها و فشارها پایداری کند.

در روایات مربوط به یاران و منتظران نیز بر ویژگی استقامت تأکید شده است. در برخی از این روایات، منتظران راستین به دلیل پایداری بر دین و حفظ ایمان در شرایط دشوار مورد ستایش قرار گرفته‌اند. این مضمون نشان می‌دهد که ارزش مقاومت در فرهنگ مهدوی، بیش از هر چیز با توانایی حفظ اصول و ارزش‌ها در شرایط دشوار ارتباط دارد (صفار، ۱۴۰۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳).

بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که روحیه مقاومت در تربیت مهدوی، ریشه در استواری اعتقادی و اخلاقی دارد. هرچه این بنیان در شخصیت فرد قوی‌تر باشد، امکان پایداری او بر ارزش‌ها در مواجهه با شرایط دشوار نیز بیشتر خواهد بود.

۲. انتظار فعال و نفی انفعال

یافته‌های این محور نشان می‌دهد که انتظار در منابع مورد بررسی، مفهومی ایستا و منفعل نیست، بلکه با آمادگی و تلاش برای انجام وظایف همراه است. فرد منتظر صرفاً منتظر وقوع ظهور نمی‌ماند، بلکه در حد توان خود برای اصلاح خویش و انجام مسئولیت‌هایش تلاش می‌کند. بنابراین، انتظار از یک حالت ذهنی به یک رویکرد عملی تبدیل می‌شود.

در تبیین این رویکرد، چهار مؤلفه «ورع، اجتهاد، عفاف و سداد» اهمیت ویژه‌ای دارند. در این چارچوب، ورع به کنترل رفتار و انتخاب صحیح، اجتهاد به تلاش و کوشش در انجام وظایف، عفاف به مهار تمایلات نفسانی و سداد به استواری در مسیر حق اشاره دارد (کلینی، ۱۳۶۳؛ نهج‌البلاغه، نامه ۱۱۸).

از سوی دیگر، زمینه سازی ظهور مستلزم آن است که فرد در ابعاد مختلف زندگی خود توانمند شود و برای انجام وظایفش آمادگی پیدا کند. این آمادگی می تواند در حوزه های علمی، اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی تحقق یابد. بنابراین، انتظار فعال با یادگیری، کسب مهارت، انجام مسئولیت و تلاش مستمر پیوند دارد.

آصف آگاه (۱۳۹۱) نیز در بررسی شاخصه های جامعه زمینه ساز ظهور با تأکید بر روایات نصرت، بر مسئولیت افراد در قبال یاری امام عصر (عج) و نقش آنان در شکل گیری جامعه زمینه ساز تأکید دارد. بر اساس این یافته، انتظار هنگامی از حالت ذهنی خارج می شود که فرد نسبت به وظایف خود آگاهی پیدا کرده و برای انجام آنها اقدام کند (آصف آگاه، ۱۳۹۱).

در نتیجه، انتظار فعال را می توان فرایند تبدیل باور به آمادگی و عمل دانست؛ فرایندی که در آن فرد منتظر از انتظار منفعلانه فاصله گرفته و به انسانی مسئول و کنشگر تبدیل می شود.

۳. مهدویت و استکبارستیزی

یافته های این محور بر رابطه میان آرمان مهدوی و نفی سلطه و استکبار تمرکز دارد. آرمان تحقق عدالت جهانی در اندیشه مهدوی، با پذیرش ظلم، سلطه و بی عدالتی ناسازگار است. از این رو، باور به جامعه عدل مهدوی می تواند زمینه شکل گیری نگرشی را فراهم کند که سلطه پذیری را نپذیرد و نسبت به ساختارها و مظاهر ظلم حساس باشد.

در این چارچوب، استکبارستیزی را می توان در سطح مفهومی، بخشی از نگرش ضدسلطه دانست. چنین نگرشی تنها به مخالفت با یک قدرت یا موقعیت سیاسی خاص محدود نیست، بلکه هرگونه رابطه مبتنی بر سلطه، تحقیر، ظلم و سلب کرامت انسان را دربرمی گیرد.

خدابخشی و اصفهانی (۱۴۰۴) با بررسی جایگاه اندیشه مهدویت در تداوم استکبارستیزی و مقاومت، بر ظرفیت این اندیشه در تقویت نگرش ضدسلطه تأکید کرده اند. بر اساس یافته آنان، مهدویت علاوه بر جنبه اعتقادی، دارای پیامدهای اجتماعی است و می تواند در شکل گیری نگرشی مؤثر باشد که عدالت خواهی و مقاومت در برابر سلطه را تقویت می کند (خدابخشی و اصفهانی، ۱۴۰۴).

با توجه به این یافته ها، استکبارستیزی در تربیت مهدوی باید مبتنی بر شناخت و تحلیل باشد و از تقلیل آن به واکنش های هیجانی پرهیز شود. دانش آموز باید بتواند مفهوم سلطه و بی عدالتی را درک کند و رابطه آن را با ارزش هایی مانند عدالت و کرامت انسانی تشخیص دهد.

بنابراین، کارکرد تربیتی مهدویت در حوزه استکبارستیزی، ایجاد نگرش ضدسلطه و تقویت حساسیت نسبت به ظلم و بی عدالتی است.

۴. تربیت انسان منتظر و مقاوم

یافته های این محور به ویژگی ها و شایستگی هایی اختصاص دارد که برای شکل گیری شخصیت انسان منتظر ضروری است. بررسی منابع نشان می دهد که انسان منتظر مطلوب، فردی برخوردار از معرفت، تقوا، اخلاق، خودکنترلی، مسئولیت پذیری و توانایی حفظ ارزش های خود است.

در این میان، تربیت منتظر تنها با انتقال اطلاعات درباره امام مهدی (عج) تحقق نمی یابد. شناخت مهدویت زمانی در شخصیت فرد اثرگذار خواهد بود که به نگرش، باور و رفتار تبدیل شود. از این رو، تربیت انسان منتظر باید به صورت همه جانبه انجام گیرد و ابعاد شناختی، اخلاقی و رفتاری شخصیت او را دربرگیرد.

مرزوقی (۱۳۸۷) بر ضرورت توجه به مهدویت در نظام تربیتی و برنامه های آموزشی مدارس تأکید کرده و بر این نکته توجه داده است که تربیت مهدوی باید در فرایند عمومی تربیت دانش آموز حضور داشته باشد، نه اینکه صرفاً به ارائه اطلاعات محدود درباره مهدویت خلاصه شود (مرزوقی، ۱۳۸۷).

همچنین شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰) در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، بر تربیت انسان هایی برخوردار از هویت اسلامی، مسئولیت پذیری، روحیه جهادی و آمادگی برای تحقق جامعه عدل مهدوی تأکید کرده است. این رویکرد نشان می دهد که تربیت انسان منتظر باید بخشی از اهداف کلان نظام تعلیم و تربیت باشد (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰).

بر این اساس، می توان ویژگی های اصلی انسان منتظر و مقاوم را در سه سطح شناسایی کرد:

- **شناختی:** معرفت مهدوی، شناخت امام، بصیرت و قدرت تشخیص؛
- **اخلاقی:** تقوا، عفاف، خودکنترلی، صداقت و پایبندی به ارزش ها؛
- **رفتاری:** مسئولیت پذیری، تلاش، استقامت و توانایی عمل بر اساس باورها.

بنابراین، هدف تربیت مهدوی، شکل گیری شخصیتی است که میان اعتقاد، نگرش و رفتار او هماهنگی وجود داشته باشد.

۵. نقش آموزش و تربیت در انتقال فرهنگ مقاومت



یافته‌های این محور به نقش مدرسه و به‌ویژه معلم در انتقال فرهنگ مقاومت اختصاص دارد. مدرسه یکی از مهم‌ترین محیط‌های اجتماعی شدن دانش‌آموز است و از طریق برنامه‌های آموزشی، روابط تربیتی و الگوهای رفتاری می‌تواند ارزش‌های مورد نظر خود را به نسل جدید منتقل کند.

در این میان، نقش معلم از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا دانش‌آموز تنها از محتوای رسمی آموزش تأثیر نمی‌پذیرد، بلکه رفتار و شخصیت معلم نیز برای او پیام تربیتی دارد. نحوه مواجهه معلم با مشکلات، میزان پایبندی او به اصول اخلاقی، رعایت عدالت، مسئولیت‌پذیری و چگونگی برخورد او با مسائل مختلف، می‌تواند به‌عنوان الگوی رفتاری در ذهن دانش‌آموز شکل گیرد.

سرمدی، میردامادی و شیروانی (۱۳۹۲) معلم را از ارکان مهم زمینه‌سازی ظهور دانسته و بر ضرورت برخورداری او از ویژگی‌هایی مانند معرفت مهدوی، تعهد، مسئولیت‌پذیری، آینده‌نگری، روحیه جمعی و توانایی مقابله با آسیب‌ها تأکید کرده‌اند. بر اساس یافته آنان، معلم زمانی می‌تواند در تربیت نسل منتظر اثرگذار باشد که خود از ویژگی‌های منتظر واقعی برخوردار باشد (سرمدی، میردامادی، و شیروانی، ۱۳۹۲).

ازاین‌رو، نقش الگویی معلم را می‌توان در سه سطح تبیین کرد:

نخست، الگوی شناختی: معلم باید از معرفت و بصیرت کافی برخوردار باشد و بتواند مفاهیم مهدوی را به‌صورت صحیح و متناسب با نیاز دانش‌آموزان تبیین کند.

دوم، الگوی اخلاقی: رفتار معلم باید نشان‌دهنده صداقت، عدالت، مسئولیت‌پذیری، صبر و پایبندی به ارزش‌ها باشد.

سوم، الگوی رفتاری: معلم باید در عمل نشان دهد که چگونه می‌توان در شرایط دشوار مسئولیت‌پذیر بود، بر اصول اخلاقی پایدار ماند و برای حل مسائل تلاش کرد.

بر این اساس، معلم مهم‌ترین واسطه میان ارزش‌های مهدوی و تجربه تربیتی دانش‌آموز است و نقش او در انتقال فرهنگ مقاومت بیش از انتقال مستقیم یک مفهوم، از طریق الگو بودن و ایجاد موقعیت‌های تربیتی تحقق می‌یابد.

۶. پیوند مقاومت، عدالت‌خواهی و زمینه‌سازی ظهور



یافته‌های محور ششم به ارتباط میان مؤلفه‌های به‌دست‌آمده و مفهوم زمینه‌سازی ظهور اختصاص دارد. بررسی منابع نشان می‌دهد که جامعه زمینه‌ساز ظهور، جامعه‌ای است که اعضای آن نسبت به ارزش‌های دینی و اجتماعی احساس مسئولیت داشته و در جهت تحقق آنها مشارکت می‌کنند.

در این چارچوب، عدالت‌خواهی یکی از جهت‌دهنده‌های اصلی کنش اجتماعی است. فردی که عدالت را به‌عنوان یکی از ارزش‌های اساسی جامعه مطلوب مهدوی می‌شناسد، نسبت به وضعیت اجتماعی بی‌تفاوت نخواهد بود و اصلاح شرایط موجود را بخشی از مسئولیت خود تلقی می‌کند.

آصف‌آگاه (۱۳۹۱) با بررسی شاخصه‌های جامعه زمینه‌ساز ظهور و روایات نصرت، بر نقش افراد در یاری حق و شکل‌گیری جامعه‌ای متناسب با آرمان‌های مهدوی تأکید دارد. بر اساس این یافته، زمینه‌سازی نیازمند جامعه‌ای است که در آن افراد صرفاً دریافت‌کننده آموزه‌های دینی نباشند، بلکه در تحقق ارزش‌های آن مشارکت داشته باشند (آصف‌آگاه، ۱۳۹۱).

در این میان، مقاومت جایگاه خود را به‌عنوان یکی از ظرفیت‌های لازم برای حفظ و پیگیری ارزش‌های عدالت‌خواهانه پیدا می‌کند. جامعه زمینه‌ساز برای استمرار حرکت خود نیازمند افرادی است که در انجام مسئولیت‌های اجتماعی و حفظ ارزش‌های اخلاقی ثبات داشته باشند.

از منظر تربیتی، مدرسه می‌تواند نمونه‌ای کوچک از چنین جامعه‌ای باشد. فراهم کردن فرصت برای مشارکت دانش‌آموزان، مسئولیت‌پذیری، همکاری، رعایت عدالت و حل مسائل جمعی، آنان را برای ایفای نقش مسئولانه در جامعه آماده می‌کند.

بنابراین، می‌توان گفت زمینه‌سازی ظهور در سطح تربیتی، نتیجه پرورش انسان‌هایی است که ارزش‌های مهدوی را شناخته، در زندگی فردی و اجتماعی به آنها پایبند بوده و برای تحقق آنها مشارکت می‌کنند.

جمع‌بندی یافته‌ها

بر اساس تحلیل شش محور، الگوی تربیت نسل منتظر با تأکید بر پرورش روحیه مقاومت را می‌توان در یک فرایند منسجم تبیین کرد. این فرایند از مبانی اعتقادی و مهدوی مقاومت آغاز می‌شود، با انتظار فعال و آمادگی برای عمل ادامه می‌یابد، در سطح اجتماعی به نفی سلطه و استکبارستیزی جهت پیدا می‌کند، در سطح فردی به تربیت انسان منتظر و مقاوم منجر می‌شود و در محیط مدرسه از طریق نقش الگویی معلم عینیت می‌یابد. برآیند این فرایند نیز مشارکت مسئولانه در جهت تحقق جامعه زمینه‌ساز ظهور است.

بر این اساس، الگوی نهایی یافته‌ها را می‌توان به صورت زیر نشان داد:

مبانی مهدوی مقاومت



انتظار فعال و آمادگی برای عمل



نگرش ضدسلطه و استکبارستیزی



تربیت انسان منتظر و مقاوم



الگودهی معلم و زیست تربیتی مدرسه



مشارکت اجتماعی و زمینه‌سازی ظهور

در این الگو، معلم نقش محوری در انتقال و عینیت‌بخشی ارزش‌ها دارد؛ به‌گونه‌ای که معرفت مهدوی، عدالت‌خواهی، مسئولیت‌پذیری و استقامت از طریق رفتار و تعامل تربیتی او برای دانش‌آموز قابل مشاهده و تجربه می‌شود. از این رو، پرورش روحیه مقاومت در نسل منتظر، نیازمند توجه هم‌زمان به محتوای مهدوی، تربیت اخلاقی و اجتماعی دانش‌آموز و مهم‌تر از همه، تقویت شایستگی‌های الگویی معلم است.

در نهایت، یافته‌ها بیانگر آن است که مدرسه منتظر مدرسه‌ای است که در آن انتظار به یک تجربه تربیتی تبدیل می‌شود؛ تجربه‌ای که دانش‌آموز را به شناخت، آمادگی، مسئولیت‌پذیری، عدالت‌خواهی و مشارکت اجتماعی هدایت می‌کند و معلم در این فرایند، به‌عنوان الگوی عینی این ارزش‌ها، نقش اساسی دارد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین الگوی تربیت نسل منتظر با تأکید بر نقش الگویی معلم در پرورش روحیه مقاومت انجام شد. یافته‌ها نشان داد که تربیت نسل منتظر، صرفاً با انتقال مفاهیم مهدوی تحقق نمی‌یابد، بلکه نیازمند پرورش معرفت، تربیت اخلاقی، انتظار فعال، مسئولیت‌پذیری، عدالت‌خواهی و استقامت است. در این چارچوب، روحیه مقاومت بر پایه استواری اعتقادی و اخلاقی شکل می‌گیرد و انتظار فعال، فرد را از انفعال خارج کرده و به کنش مسئولانه هدایت می‌کند.



یافته‌ها همچنین نشان داد که اندیشه مهدویت با عدالت‌خواهی و نفی سلطه و ظلم ارتباط دارد و می‌تواند زمینه شکل‌گیری نگرش ضدسلطه و مقاومت آگاهانه را فراهم سازد. تحقق این امر در محیط مدرسه، مستلزم آن است که دانش‌آموز ارزش‌های مهدوی را نه تنها بیاموزد، بلکه آنها را در زندگی تربیتی خود تجربه کند.

در این میان، معلم مهم‌ترین عنصر الگویی در تربیت نسل منتظر و مقاوم است. معلم با معرفت مهدوی، رفتار اخلاقی، مسئولیت‌پذیری، عدالت‌ورزی و استقامت خود می‌تواند ارزش‌های مورد نظر را به صورت عملی به دانش‌آموز منتقل کند. بنابراین، تربیت نسل مقاوم نیازمند معلمانی است که خود الگوی عینی ارزش‌هایی باشند که آموزش می‌دهند.

در مجموع، الگوی پیشنهادی پژوهش بر این اساس استوار است که معرفت مهدوی → انتظار فعال → تربیت اخلاقی و مسئولیت‌پذیری → عدالت‌خواهی و نفی سلطه → مقاومت آگاهانه → زمینه‌سازی ظهور؛ و معلم در سراسر این فرایند، به عنوان حلقه پیوند میان آموزه‌های مهدوی و تجربه تربیتی دانش‌آموز، نقشی محوری دارد. از این رو، مدرسه منتظر مدرسه‌ای است که فرهنگ انتظار و مقاومت را نه صرفاً در محتوای آموزشی، بلکه در رفتار معلم و فضای تربیتی خود جاری می‌سازد.

پیشنهادهای کاربردی

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه می‌شود:

۱. تدوین و اجرای برنامه تربیت مهدوی در مدارس: محتوای مهدوی از سطح آموزش مناسکی و مناسبتی فراتر رفته و مفاهیمی مانند انتظار فعال، مسئولیت‌پذیری، عدالت‌خواهی، استقامت و مقابله با ظلم به صورت متناسب با سن دانش‌آموزان در برنامه‌های تربیتی مدارس گنجانده شود.
۲. توانمندسازی معلمان در زمینه تربیت مهدوی: دوره‌های آموزشی برای معلمان با محوریت معرفت مهدوی، فلسفه انتظار، روش‌های تربیت اخلاقی و اجتماعی و شیوه‌های تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری و مقاومت آگاهانه در دانش‌آموزان برگزار شود.
۳. تقویت نقش الگویی معلم: در انتخاب، آموزش و ارزیابی معلمان، علاوه بر شایستگی‌های علمی، به ویژگی‌هایی مانند عدالت‌ورزی، مسئولیت‌پذیری، صبر، استقامت، اخلاق حرفه‌ای و هماهنگی گفتار و عمل توجه شود؛ زیرا انتقال ارزش‌های مهدوی تا حد زیادی از طریق مشاهده رفتار معلم صورت می‌گیرد.
۴. ایجاد موقعیت‌های عملی برای تمرین ارزش‌های مقاومت: مدارس با طراحی فعالیت‌های گروهی، حل مسئله، مسئولیت‌های دانش‌آموزی، فعالیت‌های داوطلبانه و مشارکت اجتماعی، فرصت تجربه عملی مسئولیت‌پذیری، همکاری، استقامت و دفاع از ارزش‌های اخلاقی را برای دانش‌آموزان فراهم کنند.

۵. **تقویت سواد رسانه‌ای و قدرت تشخیص دانش‌آموزان:** با توجه به ضرورت مقاومت آگاهانه، آموزش سواد رسانه‌ای و افزایش توانایی دانش‌آموزان در تحلیل اطلاعات، تشخیص اخبار نادرست، شناخت شیوه‌های اثرگذاری فرهنگی و مواجهه منطقی با شبهات در برنامه‌های تربیتی مورد توجه قرار گیرد.
۶. **توجه به عدالت در فضای مدرسه:** مدیران و معلمان با ایجاد محیطی عادلانه، محترمانه و مشارکت‌محور، مفاهیمی مانند عدالت‌خواهی، کرامت انسانی و مسئولیت اجتماعی را به صورت عملی به دانش‌آموزان آموزش دهند.
۷. **پرهیز از آموزش شعاری و مناسبتی:** مفاهیم مهدویت و مقاومت به برنامه‌های مناسبتی محدود نشود، بلکه در فعالیت‌های روزمره مدرسه، شیوه تعامل معلم و دانش‌آموز، فعالیت‌های گروهی و برنامه‌های تربیتی جاری شود.
۸. **تقویت ارتباط خانواده و مدرسه:** خانواده‌ها در برنامه‌های تربیت مهدوی مشارکت داده شوند تا ارزش‌هایی مانند مسئولیت‌پذیری، اخلاق، امید، استقامت و عدالت‌خواهی در محیط خانه و مدرسه به صورت هماهنگ دنبال شود.
۹. **تدوین شاخص‌های ارزیابی تربیت نسل منتظر:** نظام آموزش و پرورش می‌تواند شاخص‌هایی برای سنجش میزان تحقق مؤلفه‌هایی مانند معرفت مهدوی، مسئولیت‌پذیری، عدالت‌خواهی، استقامت، مشارکت اجتماعی و روحیه مقاومت آگاهانه در برنامه‌های تربیتی مدارس طراحی کند.
۱۰. **توجه به معلم به عنوان محور تربیت نسل منتظر:** در سیاست‌گذاری‌های تربیتی، نقش معلم از انتقال‌دهنده محتوا به «الگوی زیسته ارزش‌های مهدوی» ارتقا یابد؛ به گونه‌ای که شخصیت و رفتار حرفه‌ای معلم، بخشی از برنامه تربیت نسل منتظر تلقی شود.

منابع

۱. مرزوقی، رحمت‌الله. (۱۳۸۷). سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزشی مدارس: رویکردی به فلسفه تربیتی انتظار. *تربیت اسلامی، ۳*(۷)، ۱۲۷-۱۳۷.
۲. سرمدی، محمدرضا، میردامادی، سیدمحمد، و شیروانی، خجسته. (۱۳۹۲). نقش معلم در زمینه‌سازی ظهور و تحقق جامعه مهدوی. *پژوهش‌های مهدوی، ۲*(۷). [مهدی مهدی] ۲ [3]
۳. شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۰). *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران*. شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۴. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۷). *الکافی*. دارالکتب الإسلامیه 5.
۵. آصف آگاه، سید محمدرضی. (۱۳۹۱). بررسی شاخصه‌های جامعه زمینه ساز ظهور با تأکید بر روایات نصرت. فصلنامه علمی-ترویجی انتظار موعود، ۱۲(۳۹)، ۷۹-۱۰۴.



۶. کریمی، آیت الله، خفری، سعید و کریمی، خیرالنساء. (۱۴۰۳). نقش باورداشت آموزه مهدویت در رشد و تقویت اخلاق معلمی. مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۱۰(۱)، ۷۶۲-۷۲۸.
۷. خدابخشی، لیلا، بطلانی اصفهانی، راحله. (۱۴۰۴). جایگاه اندیشه مهدویت در تداوم استکبارستیزی و مقاومت. نهمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم انسانی، مطالعات اجتماعی و جمعیتی
۸. صفار. محمدبن حسن، بصائرالدرجات، تهران: اعلمی، ۱۴۰۴ق
۹. مجلسی. محمدباقر، بحارالانوار، بیروت: موسسه الوفا چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.

